تکذیب شایعه تغییر فیلم‌های نوروزی

سخنگوی شورای صنفی نمایش ضمن تکذیب شایعه تغییر در ترکیب فیلم‌های اکران نوروزی گفت: هیچ فیلمی از اکران نوروزی انصراف نداده و قطعا هفت فیلمی که قبلا اعلام شده، اکران خواهند شد. مرتضی شایسته در گفت و گو با ایرنا در پاسخ به این خبر که شورای سه نفره سازمان سینمایی ترکیب اکران نوروز را قطعی ندانسته، گفت: این خبر کذب است و اساسا شورایی با عنوان شورای سه نفره سازمان سینمایی وجود ندارد.



انتشار قطعه «رقص طبیعت» در NFT

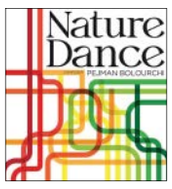

قطعه بی‌کلام رقص طبیعت به آهنگسازی و تنظیم پژمان بلورچی که پیش از این در سال ۲۰۲۱ برنده مدال برنزاز گلدن گلوب نیز شده بود به عنوان یکی از اولین قطعات موسیقی ایرانی وارد ان اف تی شد.
ان اف تی، یکی از قابلیت‌های مهمی است که در دنیای دیجیتال ایجاد شده و اساسا یعنی این که «یک دارایی دیجیتال منحصر به فرد است که فقط به شما تعلق دارد.»

بخش‌هایی از مقدمه کتاب «قربانی شهریور؛ خرده‌روایت‌های اجاره‌نشینی»؛

«اجاره‌نشینی بستری است که همه ما به نوعی در آن زیسته‌ایم. پیراهنی است که به‌نحوی هرکدام‌مان لااقل یک‌بار لمسش کرده‌ایم؛ اگر نپوشیده باشیم، چه به‌عنوان کرایه‌نشین خانه‌های مردم، چه به عنوان صاحبخانه‌ای که بخشی یا همه خانه‌اش را در اختیار دیگری می‌گذارد، چه حتی به عنوان شنونده روایت‌های مستأجری از زبان صاحبخانه‌ها و مستأجرها. اگر از هرکدام‌مان بپرسند که «اولین‌بار در چه سنی مفهوم کرایه‌نشینی را درک کردی؟» لابد هیچ‌کدام یادمان نمی‌آید. اگر هم هیچ‌وقت طعم کرایه‌نشینی را نچشیده باشیم، دور و بر ما پر بوده از همسایه، فامیل و دوست و آشنایی که یک روز تابستانی آمده، نشسته ور دل پدر و مادرمان و از سختی روزگار باریده؛ از کرایه خانه که در هر سال و عصری، همیشه وزنش را روی گُرده مستأجر انداخته و همیشه هم سنگین بوده.»

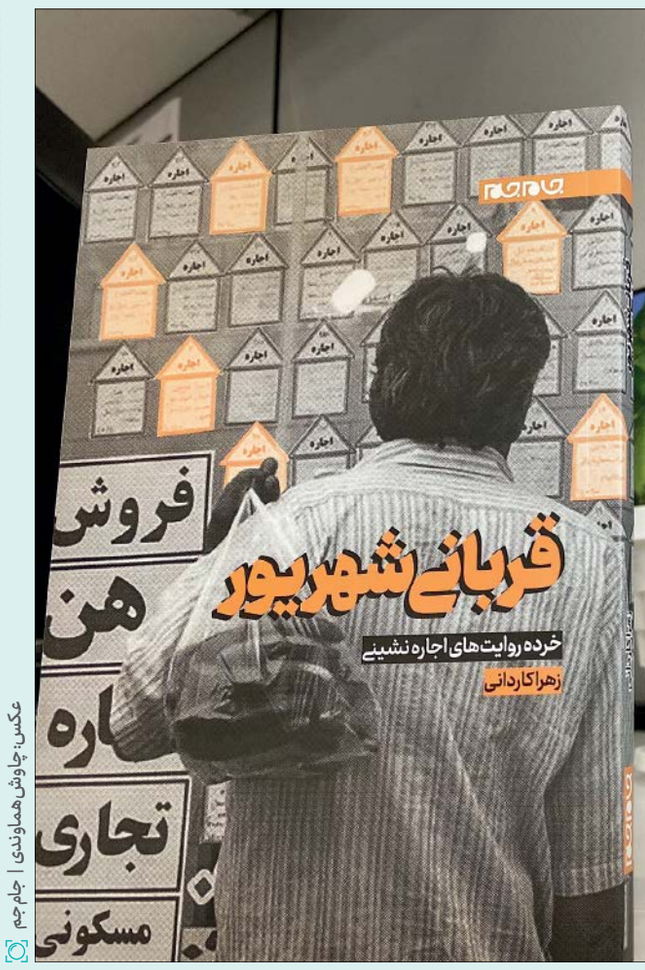

عکس: چاوش همایونی | جام جم

هرطرف و به هر صورتی که نگاه کنیم، فاجعه است. تلف شدن ۷۰۰۰ حاجی تشنه‌لب در هوای ۵۲ درجه، بدون هیچ دفاع و توانی برای فرار. این جز فاجعه هیچ چیز دیگر نیست؛ چه روایت سعودی‌ها را از این اتفاق مدنظر قرار بدهیم و چه روایت حجاج را حتی اگر عمدی هم در کار نبوده باشد و اول تا آخر این اتفاق همه‌اش حادثه بوده باشد.

برگردیم به کتاب «قربانی شهریور؛ خرده روایت‌های اجاره‌نشینی». نکته دیگری که از این کتاب به نظرم می‌آید، توضیحش این است: با این که آدم‌های روایت‌های شما به نوعی خسته‌اند و از مشکل و دغدغه‌شان حرف می‌زنند اما انگار این درد و خستگی خیلی به چشم نمی‌آید یا بهتر بگویم که این درد را در روایت‌شان فریاد نمی‌زنند...

به‌نظرم آدم‌های روایت من وضعیت‌شان را پذیرفته‌اند. برای من البته ناراحت‌کننده است که بگویم آدم‌هایی که پای حرف‌هایشان نشستم دیگر پذیرفته بودند این موقعیت، موقعیتی است که همیشگی است و هیچ راه فراری برایش وجود ندارد. به‌نوعی قبول کرده‌اند همیشه باید در این رودخانه پارو بزنند و هرجور که هست با آن بسازند. من در این کتاب اصلا نمی‌خواستم رنج راویانم را خیلی صریح نشان دهم؛ چراکه احساس می‌کردم رنج و غم مانع از نشان دادن حرف‌های مهمی است که هدف اصلی نگارش این کتاب است. من در این کتاب می‌خواستم زبان قشری باشم که فصل تابستان، دوران بیقراری آنهاست. حرف‌هایشان را بیان کردم و آرزو کردم شاید سال بعد یا سال‌های بعد دنیا چرخید و قوانین اجاره‌نشینی عوض شد.

یکی از شاخصه‌های نثر شما سادگی و دور بودن از مفاهیم انتزاعی و پیچیده است. انگار سعی نداشتید مخاطب را چندان درگیر متن کنید. این ویژگی از اقتضائات این کتاب بود یا کلا ساده‌نویسی را به‌عنوان عادت در نویسندگی انتخاب کرده‌اید؟

واقعیتش را بخواهید انتخاب من برای کتاب‌خواندن متن‌های ساده نیست. یعنی همیشه از متن‌هایی استقبال می‌کنم که ادبیات داشته باشد و ذهنم را درگیر کند اما در مورد نوشتن باید بگویم موضوعی که برای نوشتن انتخاب می‌کنم ایجاب می‌کند که ساده‌نویس باشم. روایت‌نویسی مجالی برای پیچیده‌نویسی نیست. چون مخاطب شما در روایت‌نویسی مخاطب عام است. برای نگارش کتاب «قربانی شهریور؛ خرده‌روایت‌های اجاره‌نشینی» با مردم عادی به‌عنوان راوی صحبت کردم و به‌عنوان نویسنده موظف بودم به لحن و زبان و ادبیات راویان وفادار بمانم. لحن راویانم هم در اینجا ادبیات سخت و پیچیده‌ای نبود و حتی اگر خودم هم می‌خواستم پیچیده‌اش کنم زیبایی‌اش را از دست می‌داد. همیشه دوست داشتم صرفا صحبت‌های راوی را پیاده نکنم و ادبیات در متن‌هایم دخیل باشد، بنابراین همیشه بر لبه تیز ادبیات‌سازی و وفاداری به لحن و گفته‌های راوی راه رفتم و البته کمی هم می‌ترسم.

خودتان تا چه اندازه با نوآوری در ادبیات موافق هستید؟

نه‌تنها در ادبیات بلکه در همه چیز با نوآوری موافق هستم.

بازخورد کتاب‌تان را میان مردم چطور دیدید؟

زمان زیادی از پخش و فروش کتاب نمی‌گذرد؛ بنابراین خیلی هیجانی است اگر بخواهم در همین مدت محدود بازخوردهایی که گرفتم را به‌عنوان نتیجه کار اعلام کنم اما چیزی که تا به الان دیدم این است که مخاطب خیلی با کتاب همذات‌پنداری کرده. حتی خواننده‌هایی داشتم که خودشان هم تجربه مشابهی از آنچه در کتاب خوانده بودند را برایم نوشتند و فرستادند.

در حال حاضر چه کار می‌کنید؟

کار خاصی نمی‌کنم. مدت زیادی با افراد مختلف در ارتباط بودم و با کلمات زیاد سر و کله زدم. به همین دلیل به لحاظ ذهنی خسته‌ام و نیاز به استراحت دارم. می‌خواهم با خودم تنها باشم تا حس کنم در آینده پیش‌رو در مورد چه چیز می‌خواهم بنویسم.

در ذهن‌تان می‌ماند. برای من روایت «نقش طاووس» این‌طور است و در ذهنم قطعا ماندگار می‌شود.

چرا؟ این روایت چه ویژگی‌هایی دارد؟

با راوی خیلی احساس نزدیکی کردم. شاید به این دلیل که همسن بودیم و توانستم حس و حال و زمینه اتفاقی را که بیان می‌کند، درک کنم. همچنین روایت «من یک قبر ذهنی دارم» را که راوی با ماجرای اجاره‌نشینی برخورد متفاوتی نسبت به بقیه داشت، دوست داشتم. در کل شیوه‌های جدید را دوست دارم و و چه بسا اگر هر کدام از ما بکوشیم شیوه متفاوتی برای برخورد با مشکلات پیدا کنیم، زندگی برایمان راحت‌تر می‌شود.

این روایت‌ها ظرفیت تبدیل شدن به رمان را هم دارند؟

بله. شخصا به روایت نقش طاووس خیلی فکر می‌کنم و شاید روزی آن را به صورت رمان نوشتم. البته بقیه روایت‌ها هم آن‌قدر درام دارند که بتوان از آن هم رمان و هم فیلم استخراج کرد. کار مستندنگار هم به نظرم همین است. مستندنگار مواد اولیه می‌سازد برای هنرمندانی که می‌خواهند اثری را خلق کنند. در کتاب «خیابان 204» هم که پیش از این نوشتم موقعیت‌های خام زیادی بود که می‌شد از آن استفاده‌های دیگری هم کرد.

فکر می‌کنم کتاب خیابان 204 روایتی از شاهدان عینی از فاجعه منا بود؟

بله. فاجعه یعنی بلا، مصیبت بزرگ و ناگهانی. اتفاقی را که دوم مهر ۱۳۹۴ در سرزمین منا، حوالی خیابان ۲۰۴ افتاد از

چهره هفته

فولاد آبدیده



علی رستگار

سینما

بالاخره آن همه چکی که در نقش فولاد «زیرآسمان شهر» از دست حمید لولایی (خشایار مستوفی) خورد، کارگر افتاد و یوسف تیموری به یکی از کمدین‌های همیشه حی و حاضر و بامزه تبدیل شد. رابطه متناقض خشایار و فولاد، در زمان خودش و در یک ساحت کمیک و طنازانه، مرزهای پدر و پسری را جابه‌جا کرد و هرچقدر فولاد مهرش به پدر را با ادب و احترام نشان می‌داد، خشایار انگار با عقده ادیپ و با سیلی‌های آبدار، پسر را غافلگیر می‌کرد و لابد با متر و معیارهای خودش، چنین ابراز عشق غریبی را مؤثرتر می‌دید.

اگرچه جایگاه تیموری بعد از زیر آسمان شهر در بازیگری و آثار کمدی تثبیت شد و پایش را به سینما هم باز کرد اما به‌شکل عجیبی بهای چندانی به نمک و استعداد این بازیگر داده‌نشد و حضور او تقریبا زیر سایه چهره‌های دیگر کمدی قرار گرفته است. در حالی که تیموری از جمله کمدین‌هایی است که به‌خاطر شخصیت صمیمی و مهارت نمکینش، هیچ کم از برخی بازیگران دیگر کمدی ندارد و در همین نقش‌هایی که پذیرفته، مخاطب را ناامید نکرده‌است. با این حساب انگار باید غیبت تیموری در میان بازیگران درجه یک و چهره و پول‌ساز سینمای کمدی را مربوط به مناسبات و سازوکارهای مرسوم و حتی جاه‌طلب نبودن او در این زمینه بدانیم. چه بسا خودش هم از این وضعیت و حضور در نقش‌های مکمل، فارغ از کیفیت نقش و فیلمنامه و البته همین میزان موردقبول واقع‌شدن از سوی مخاطبان و محبوبیت رضایت دارد و قناعت پیشگی در بازیگری را انتخاب کرده است.

با توجه به همدلی همیشگی تماشاگران با او که از شخصیت واقعا طناز و باصفا و هنرش نشأت می‌گیرد، تیموری به‌نوعی نسخه دیگری از امین حیایی است اما دست‌کم تا اینجا بخت با او یار نبوده که آن مسیر رشد و فرازهای بازیگری ـ حتی صرفا آن بخش درخشش حیایی در سینمای کمدی ـ را تجربه کند. حیایی همانقدر که قابلیت بازی در نقش‌هایی تلخ و جدی همچون فرید «شعله‌ور» و یوسف «برف آخر» را دارد، استاد تقلید و ادا درآوردن هم است و از این مهارت چه در آثار کمدی و چه محفل‌های دوستانه به‌خوبی بهره می‌برد. یکی از درخشان‌ترین جلوه‌های این هنرمندی در فیلمی اتفاقا جدی به نام «مزاحم» است که حیایی در نقش یک جوان عشق بازیگری ادای آلن دلون، جان وین و قیصر را درمی‌آورد و بعد هم در پاسخ به سؤال خسرو شکیبایی که از او می‌پرسد: «ادای منم بلدی دربیاری؟» با خنده صدای این بازیگر را تقلید می‌کند و با آوایی شبیهِ سوت می‌گوید: «شما که ادا نداری عزیز من!»

شبیه همین استعداد و بلکه فراتر را در اولین قسمت فصل چهارم «جوکر» هم دیدیم و یوسف تیموری با مهارتی تمام‌نشدنی، یوسف صیادی و سیدعلی صالحی حاضر در مجلس و امیر جعفری غایب را به‌شکل نمکینی مجسم و بازنمایی کرد و یک‌تنه به ستاره ضیافت خنده تبدیل شد. درخشش تیموری و توجهش به این همه جزئیات، تسلطش بر صدا، میمیک، بدن و اجرای جدی لحظات خنده‌دار، گرچه مفرح و خوشایند است و جای آفرین و بزنم به‌تخته به‌خاطر این همه نمک دارد اما درعین حال واجد حسرتی درباره بهره نبردن کافی سینما و تلویزیون از این فولاد آبدیده در نقش‌های مهم‌تر و جذاب‌تر هم است.



در کتاب سه‌جلدی «نقد ادبی با رویکرد شناختی» با چه مباحث تازه‌ای آشنا می‌شوید؟

بومی‌کردن یک رویکرد نظری جدید

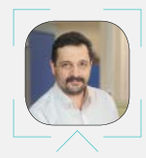

آرش شفاعی

فرهنگ و هنر

کتاب سه‌جلدی «نقد ادبی با رویکرد شناختی» را انتشارات لوگوس به‌تازگی منتشر کرده است. جلداول این کتاب به بیان مبانی نظری، جلددوم به بیان همگانی‌های شناختی و جلدسوم به اصول دریافت اختصاص دارد. احتمالا بسیاری از مخاطبان آگاهی چندانی درباره رویکرد شناختی ندارند و اهمیت این کتاب را به‌درستی درک نمی‌کنند.

به‌طور خلاصه باید بگوییم رویکرد شناختی به‌واسطه پل‌زدن با علوم مختلف توانسته یک اثر را با تکیه بر متن، نویسنده و مخاطب آن بررسی کند و دروازه‌ای را برای نگاه‌کردن به متون ادبی بگشاید چراکه براساس این رویکرد، نقد ساختار خود را از ساختار وجودی انسان، درک چیزها در جهان و نیز چگونگی تجربه جهان به‌واسطه بدن، مغز، سلول‌ها و رشته‌های عصبی می‌گیرد. در این رویکرد میان متن، خواننده و نویسنده به‌واسطه بررسی مغز و نظریه‌های خوانش پلی زده می‌شود، به‌گونه‌ای که خواندن به‌عنوان عملکردی شناختی در نظر گرفته می‌شود که مغز و ادبیات را به هم مرتبط می‌کند.

خوانش و تفسیر متون ادبی به درک بهتر متن منجر می‌شوند و انسان از خلال تفسیر امکان مواجهه با پیچیدگی‌های زندگی را درون متن پیدا می‌کند. این تفسیر به خودآگاهی و وسعت دید مخاطب می‌انجامد و درنتیجه، پیوند لاینفک ادبیات و انسان را نمایان می‌کند. درواقع تفسیر ادبیات یک کنش اجتماعی قلمداد می‌شود که باعث می‌شود دانش، تمرکز، تجربه و شناخت مخاطب گسترش پیدا کند. در نتیجه، نقد ادبی را می‌توان قلمرویی از دانش معرفی کرد که به‌واسطه آن معیارهایی در اثر ادبی مورد سنجش قرار می‌گیرند که با سرشت انسان در ارتباط هستند.

اهمیت طرح‌واره‌ها در رویکرد شناختی

این رویکرد در دنیا شناخته شده اما در ایران پژوهشگری که چندسال است با استفاده از این رویکرد سعی در تحلیل و بررسی متون ادبی دارد، لیلا صادقی است که خود هم شاعر و داستان‌نویس است و هم زبان‌شناسی شناخته شده است.

او در گفت‌وگو با جام جم درباره این رویکرد و کتاب سه‌جلدی تازه منتشر شده‌اش توضیحاتی داد. صادقی نخست تعریف ساده‌تری از این رویکرد داد و گفت: رویکرد شناختی، رویکردی تجربه‌گراست و این‌گونه به دنیا نگاه می‌کند که انسان به‌دلیل شکل فیزیکی بدنش و نوع تعاملی که با جهان پیرامون خود دارد، جهان را یک‌جور خاص می‌فهمد و دریافت‌هایی که دارد به‌خاطر شکل بدن و ویژگی‌های محیط و دنیای اطراف، جور خاصی دریافت می‌شود و این دریافت، شناخت و ادراک انسان را می‌سازد و یک سری الگوهای ذهنی برای انسان به‌وجود می‌آورد که اسم این الگوهای ذهنی طرح‌واره‌ها هستند.

صادقی در بیان اهمیت طرح‌واره‌ها می‌گوید: این طرح‌واره‌ها باعث می‌شوند انسان بتواند دنیای اطراف خود را مفهومی‌سازی کند و در واقع ریشه تفکر و زبان همین مفهومی‌سازی طرح‌واره‌ها هستند. هدف رویکرد شناختی این است که بفهمد از طریق زبان چه طرح واره‌هایی وجود دارد و انسان به‌واسطه چه الگوهای طرح‌واره‌ای دنیای اطراف خود را می‌شناسد؟

اما این رویکرد چگونه به ادبیات و نقدادبی ربط پیدا می‌کند. صادقی دراین‌باره می‌گوید: هدفی که از کابرد رویکرد شناختی در ادبیات وجود دارد این است که خیلی از نظریه‌های مختلف موجود، زاییده ذهن انسان است اما در رویکرد شناختی سعی‌شده نظریه ادبی و معیارهای آن و امکان بررسی متون ادبی با توجه به ویژگی‌های بدن انسان و محیط اطرافش و ابزارهایی که باعث می‌شود فهم و دریافت انسان ساخته شود؛ فراهم بیاید.

چرا بومی‌کردن یک رویکرد اهمیت دارد؟

این نویسنده و منتقد ادبی درخصوص ویژگی‌های کتاب سه‌جلدی که به‌تازگی منتشر کرده است، ادامه می‌دهد: در این سه‌جلد من تلاش کرده‌ام این ابزارها را معرفی کنم و یک سری نمونه‌های بومی ادبیات ایران اعم از شعر و داستان را بررسی کنم و نشان دهم که با ابزارهای شناختی می‌توانیم سراغ تحلیل متون ادبی برویم و متن را واکاوی کنیم. قبلا دو سه کتاب در حوزه شناختی ترجمه کرده بودم ولی اگر مثال‌های کتاب بومی باشد و مباحث با شرایط بومی خودمان تحلیل شود، به مخاطب کشور خودمان بیشتر می‌تواند کمک کند. مقالات آن کتاب‌های ترجمه شده، بومی خودمان نبود و درک مستقیم برای مخاطبان به‌سختی ایجاد می‌شد. من در این کتاب، هم از ادبیات کلاسیک مثل خیام و عطار و هم از

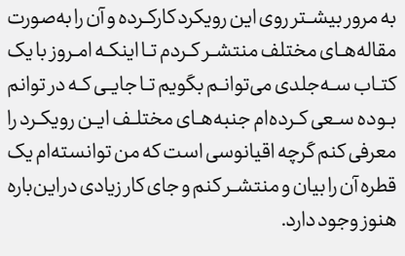

ادبیات نو از شعر براهنی، رؤیایی، بیژن الهی، فرزانه قوامی، بهاره رضایی و خیلی شاعران دیگر و در زمینه داستان از صادق چوبک، صداق هدایت، بیژن نجدی، احمد حسن‌زاده، شیوا مقانلو و خیلی‌های دیگر مثال آورده و متون آنها را به‌عنوان نمونه آورده و مثال زده‌ام.

وی درباره اهمیت این کار چنین توضیح می‌دهد: از آنجایی که نظریه شناختی بر این باور است که یک سری همگانی‌ها یا اشتراکات چه در زبان و چه در تفکر، بین همه انسان‌های دنیا وجود دارد و دلیل آن بدن آنهاست پس این ابزارها می‌توانند ابزارهای مشترکی باشند که می‌توانند در نقد ادبی همه متون به‌کار روند اما به‌خاطر تفاوت‌هایی که در محیط فرهنگی وجود دارد، برخی تفاوت‌ها نیز به‌وجود می‌آید که این تفاوت‌ها به‌خاطر فرهنگ ویژه هستند و در یک فرهنگ یک شکل و در فرهنگ دیگر به گونه‌ای دیگر هستند. به همین دلیل بررسی ادبیات بومی خودمان در معرفی این رویکرد خیلی اهمیت داشت. به‌خصوص اینکه این رویکرد را نخستین‌بار سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای که در مجله نقد ادبی منتشر شد، معرفی کردم و بعد از آن هم به مرور بیشتر روی این رویکرد کارکرده و آن را به‌صورت مقاله‌های مختلف منتشر کردم تا اینکه امروز با یک کتاب سه‌جلدی می‌توانم بگویم تا جایی که در توانم بوده سعی کرده‌ام جنبه‌های مختلف این رویکرد را معرفی کنم گرچه اقیانوسی است که من توانسته‌ام یک قطره آن را بیان و منتشر کنم و جای کار زیادی در این‌باره هنوز وجود دارد.



انتقاد معاون حقوقی وزارت ارشاد از حذف معافیت مالیاتی هنرمندان

باید حساب پردرآمدها را از اکثریت هنرمندان جدا کنیم

به گزارش جام‌جم معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: بسیاری از هنرمندان به لحاظ معیشتی در طبقه پایین یا متوسط جامعه قرار دارند و بازگرداندن مالیات برای این طبقه در بودجه سال آینده فشار زیادی را بر آنها وارد می‌کند.

دکتر سیدمحمد هاشمی تصریح کرد: شفاف‌سازی در نظام مالیاتی و لزوم اخذ مالیات از هنرمندانی که درآمدهای میلیاردی دارند اتفاقی مبارک و بی‌شک امر عادلانه‌ای است که باید انجام پذیرد اما باید حساب چهره‌های معدود هنرمندی را که درآمدهای میلیاردی دارند از قاطبه جامعه هنری جدا کرد. ما در اقشار مختلف هنرمندان ازجمله نویسندگان، اهالی تئاتر و هنرهای تجسمی و... شاهد مشکلات جدی معیشتی هستیم که در دوسال اخیر و به دلیل شیوع بیماری کرونا بیشتر هم شده که حمایت بیشتر از این افراد را طلب می‌کند. در بدنه سینما حدود ۱۰ هزار نفر مشغول به کار هستند که اکثریت آنها به لحاظ مالی و معیشتی شرایطی بسیار متفاوت از چهره‌های معروف با درآمدهای میلیاردی دارند.

معاون حقوقی امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ که از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد، هنرمندان براساس بند «ل» ماده ۱۳۹ مالیات‌های مستقیم از پرداخت مالیات معاف شده‌اند، اکنون نیز امیدواریم همانطور که دولت در لایحه بودجه پیشنهاد کرده بود نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی با ادامه معافیت مالیاتی عموم هنرمندان که وضع اقتصادی نامناسب یا معمولی دارند، موافقت کنند. به هر حال در جامعه هنری بسیار پیش می‌آید که برخی هنرمندان در طول چند ماه درآمد مناسبی دارند اما در سایر ماه‌های سال هیچ درآمدی ندارند و به همین دلیل برآیند وضعیت مالی و معیشتی خوبی را در طول سال تجربه نمی‌کنند که حمایت از این جامعه وظیفه دولت و مجلس است و موضوع معافیت مالیات برای این قشر بخشی از چتر حمایتی قانون از جامعه فرهنگ و هنر کشور است.

هاشمی با اشاره به زیان مستقیم مردم از کوچک‌شدن سبد کالاهای فرهنگی در سال‌های اخیر ادامه داد: امروز که با چالش‌های اقتصادی فراوانی روبه‌رو هستیم، کالاهای فرهنگی نخستین چیزی است که از سبد مصرفی خانوار حذف می‌شود و اضافه‌شدن مالیات بر قیمت کالاهای فرهنگی می‌تواند قیمت تمام‌شده این محصولات را افزایش داده و باعث کوچکترشدن سبد فرهنگی خانواده‌ها شود.